



کودک همسری؛ چالش‌ها و راهکارها علیرضا آبین^۱ - عرفان حاجیان^۲

چکیده

معضل کودک همسری، معضلی چند بعدی است؛ بنابراین بایسته است که آن را از زوایای مختلفی به بحث گذاشت؛ اینکه کودک چیست و پدیده همسرگزیدن چه اقتضائاتی دارد علاوه بر کاوش‌های فقهی و حقوقی، نیازمند کاوش‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی نیز می‌باشد. ما در این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به چالش‌هایی که کودک همسری با آن مواجه بوده و راه‌کارهای مقتضی پرداخته ایم نتیجه پژوهش‌هایمان می‌دهد که کودک همسری به ویژه در جوامع امروزی و اقتضائات خاص آن از منظر فقهی، حقوقی جامعه‌شناختی و روانشناختی با ایراد جدی مواجه است که این نیزمند ترسیم سیاست‌های مناسب تقنینی و اجرایی با بهره‌گیری از داده‌های سایر علوم مرتبط می‌باشد.

واژگان کلیدی: کودک همسری، نکاح، فقه و حقوق

Alireza_abin@theo.usb.ac.ir

۱ - استادیار حقوق خصوصی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲ - کارشناس فقه و حقوق دانشگاه شهید مطهری



مقدمه

معضل کودک همسری که کشور های مختلف با آن روبرو هستند و به یک مسئله اجتماعی - روان شناسانه و جامعه شناسانه تبدیل شده است که به ابعاد مختلف فرد و جامعه تاثیر گذارده است و بعلاوه بر حقوق شخصیت هم بی اثر نیست؛ در باب مسئله کودک همسری کارهایی انجام شده است و چند سالی است که این پدیده در کشور بوجود آمده است همین طور در باب سیر قانونگذاری مراحل مختلف پشت سر گذاشته شده است.

در این نوشتار بدنبال پاسخ به این سوال هستیم که کودک همسری بعنوان یک معضل و یکی از پدیده های اجتماعی با چه چالش هایی را ایجاد کرده و چه راهکارهایی را می توان برای برون رفت از این چالش ترسیم نمود منظور از کودک همسری ازدواج زود هنگام است که می تواند از سمت هرکدام از زوجین که به سن و عرفی لازم برای انجام وظایف و تکالیف زناشویی نرسیده است اطلاق شود اما به طور خاص منظور ازدواج دختران زیر ۱۳ سال با مردان مسن است.

در این نوشتار سعی بر این بوده است که با دیدی نو به معضل کودک همسری نگاه ریزبینانه ای بشود تا گامی کوچک در جهت نیل به عدالت در قانونگذاری ها و به کار گیری نظر متخصصین در مباحث مبتنی به جامعه برداشته باشیم هر چند که پدیده کودک همسری وقتی بصورت مطلق بیان می شود می تواند هم قابل صدق بر زوج باشد و هم بر زوجه اما آنچه که عرفاً مشاهده می شود ازدواج زود هنگام دختران است هر چند قوانین محکمی در این باره به رشته تحریر درآمده است اما مثل همیشه این اشکال در میدان اجرا وارد است؛ که قوانین نوشته شده به منصف ظهور نمی رسند از طرفی گاهی این اتفاق رنگ اجبار به خود می گیرید و فرد در شرایطی که میل قلبی به انعقاد عقد ندارد بالاچار به آن تن می دهد. در ادامه ابتدا به تبیین مبانی مسائله پرداخته و در نهایت چالش های مسئله را از منظر حوزه های مختلف حقوقی، فقهی، جامعه شناختی و... از نظر خواهیم گذراند.

نگاهی به کودک همسری در فقه و حقوق

از آن جایی که بین حقوق و مذهب پیوند عمیق و گسترده ای وجود دارد و مذهب یکی از مهم ترین نیرو های سازنده قواعد حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۲) براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی دادرس باید «با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید» و عده ای در تفاوت قواعد فقهی و حقوقی بیان کرده اند که قواعد فقهی منشاء الهی دارند ولی قواعد حقوقی از عقل بشری سرچشمه گرفته اند(همان: ۶۴) هر چند اکثر احکام حقوقی، حقوق موضوعه کنونی از فقه سرچشمه گرفته است و جزء قواعد حقوقی درآمده و خصوصیات از جمله الزام آور بودن، کلی و عمومی بودن، تنظیم کننده روابط در اجتماع و تضمین شده از طرف دولت هستند (همان: ۵۴) و در این بین یکی از این مسائل دینی و مذهبی مهم، مقوله نکاح است.

اهمیت ازدواج یا نکاح که به طور معمول چندین باب از ابواب پر اهمیت را در کتب فقهی به خود اختصاص داده و جزء اهم مباحث به حساب می آید و به عقیده شهید اول جزء بزرگترین فواید دین اسلام است. (عاملی، ۱۳۲۰: ۸۶) ، در فقه و ادله چهارگانه و زبان فقها بر کسی پوشیده نیست اگرچه در زبان فقها اختلافی اندک پیرامون واجب یا مستحب بودن ازدواج مطرح است اما در اصل ضرورت آن بحثی نیست.



در حوزه کودک همسری، اگرچه در کتب فقهی مطلبی به صراحت نیامده است، اما در مورد سن ازدواج در منابع فقهی مطالبی مطرح شده و نیز در مورد رابطه جنسی با دختری که در زیر سن ۹ سالگی است مطالبی مطرح شده از جمله اینکه نظر برخی بر عدم جواز است و اگر موجب افضاء^۲ هم بشود باعث حرام شدن همیشگی زن بر مرد خواهد شد. (عاملی، ۱۳۲۰: ۸۷) و سایر فقها پیرامون این حکم بحث‌ها کرده‌اند که آیا با وقوع افضاء مطلق عقد نکاح صحیح خواهد بود یا باطل که این به تعریفی بر می‌گردد که از ازدواج داشته باشیم در این باب عده‌ای معتقدند که حرمت ابدی رخ نمی‌دهد هر چند که بزهی اتفاق افتاده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۰۴)

از منظر حقوقی نیز، پیمان زناشویی به لحاظ اهمیتی که برای قانونگذار داشته در میان عقود معین جایگاه خاصی را به خودش اختصاص داده است و دارای شروط و موانعی است که به طور خاص مشخص و معین شده‌اند در حقوق معنا و مفهوم کودک همسری به طور خاص بیان نشده و قانون‌گذار مخالفت صریحی با آن اعلام نکرده و همین نکته باعث شده که شاهد رشد روزافزون این معضل در اجتماع و در میان اقوام و اقلیم‌های گوناگون باشیم و عده‌ای غالباً با مطامع شخصی اقدام به همسر یابی می‌کنند و دختران را به عقد دائم یا موقت خود در آورند که از جمله دلایل این اتفاق می‌توان از ناامنی‌ها، کمبود یا در شرایطی نبود اطلاعات کافی و اعتقاد به رویه‌های سنتی حاکم در جوامع نام برد (سعیدی، ۱۳۹۶: ۷۳).

بند نخست مفهوم شناسی گستره کودک

با شناخت دقیق این که منظور از کودک چه افرادی هستند امکان بررسی ساده‌تری پیرامون کودک همسری فراهم می‌گردد هر چند که این واژه در میان اندیشمندان علوم گوناگون ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد. در هر صورت نوع تلقی ما از مفهوم کودک می‌تواند دید دقیق‌تری نسبت به مسئله کودک همسری بدست داده و تحلیل مسئله را دقیق‌تر نماید.

جامعه‌شناسی

در بین جوامع در قرون وسطایی به محض این که کودک نیاز به مراقبت مستمر نداشت جزء بزرگ‌ترها محسوب می‌شد و می‌توانست حقوق تکالیف آن‌ها را به گردن بگیرد (کامیاب، ۱۳۹۲: ۳۰) و فردی که چنین مهارت‌هایی را برای ایفای نقش در اجتماع به دست نیاورده نمی‌تواند در جامعه نقش‌آفرینی بکند (همان: ۳۱) و بر همین اساس فردی که به تنهایی توان مراقبت از خودش را نداشت کودک به حساب می‌آمد اما رفته رفته با پیشرفت علم و همین‌طور علمی همچون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی که پیوستگی و ارتباطی ناگسستنی دارند تعریف کودک دچار دگرگونی‌هایی گشت در عرصه اجتماع کودکان با تصرف محدودده‌ای زمانی خاص به خود فرهنگ را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند به گونه‌ای که کودک به فردی گفته می‌شود که هنوز به طور کلی باورهای اجتماعی را فرا نگرفته و نمی‌تواند نقش‌آفرینی مستقلی داشته باشد (همان: ۳۸) و با تربیت درست قشر کودک سنگ بنای جامعه

^۲- یکی شدن مجرای حیض و بول بر اثر مقاربت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۷)



ای سالم و پویا گذاشته می شود و همچنین در بین نظام های اجتماعی کنش اساسی، تلاش در آموزش و انتقال معیار های اخلاقی و کوشش زدودن و از بین بردن رفتار های ناپهناجار است (کریم زاده، ۱۳۸۹: ۶)

روان شناسی

کودک در حوزه علوم روان شناسان که به جنبه های فردی توجه بیشتری دارند به معنای آنان که شاید بتوان گفت مطالعات عمیق تری را در باره کودک و خلق و خوی او به عمل آورده اند، منظور از کودک فردی است که اصول اخلاقی جداگانه ای نداشته و اصول اخلاقی پدر و مادرش بر او حاکم هستند و همواره تحت فشار ترس، سرکوب یا تنبیه قرار داشته و سعی می کند تا رضایت بزرگتران را تامین کند (کریم زاده، ۱۳۸۹: ۲۰) و شامل افرادی می شود که هنوز نتوانسته اند جایگاه ثابت خود را پیدا کنند و به میزان کامل مهارت های شناختی نرسیده اند و از تفکر انتزاعی صحیحی برخوردار نیستند و در نتیجه مداوم در حال تغییر و ویران کردن و ساختن هستند تا این که شخصیت ثابت شان را درک کنند.

فقهی و حقوقی

به لحاظ حقوقی در حقوق موضوعه؛ منظور از کودک فردی است که فاقد رشد عقلی لازم بالاخص رشد لازم برای امر ازدواج می باشد و شایستگی اعمال حقوقی که دارا می شود یا به عبارت بهتر اهلیت استیفا اعمال آن حقی که دارا شده است ندارد (صفایی، ۱۳۹۶، ۱۳) جنین از لحظه تولد دارای اهلیت تمتع است اما اهلیت استیفا ندارد آغاز وجود یک شخص با تولد اوست اما از نظر حقوقی زمانی می تواند دارای حق و تکلیف شود که زنده به دنیا بیاید (صفایی، ۱۳۹۶، ۴۴) بعلاوه بر طبق قانون، فردی که شخصیت حقوقی او به تازگی شکل گرفته است می تواند موضوع حق های محدودی از جمله وصیت، ارث، وقف، هبه قرار بگیرد. (همان: ۴۵) هر چند که به کارگیری واژه اهلیت در حقوق در معنای اهلیت استیفا کاربرد فراوانی دارد بنابراین صحبت در مورد اهلیت استیفا است که البته دارای مراحل و درجاتی است و از درجات ضعیف شروع می شود و با گذشت زمان کامل و کامل تر می گردد به گونه ای که اهلیت استیفا در جنین ابتدا بصورت ناقص شروع شده و سپس تکامل پیدا می کند و به اهلیت کامل یا اهلیت دوران رشد می رسد. (صفایی، ۱۳۹۶، ۲۰۱) اما کودک می تواند در زمره محجورین در بیاید یعنی آن دسته از افرادی که فاقد اهلیت استیفا هستند و قانونگذار به فراخور وضعیت آنان با دیدی حمایتی انجام اعمال حقوقی به دست آنان را با منع مواجه کرده است و با توجه به اصول فقهی و حقوقی پذیرفته شده اصل بر این است که یک فرد محجور است مگر این که خلاف آن ثابت شود پس اگر در کودک همسری در بودن یا نبودن قوای دماغی لازم به منظور بهره مندی از حقوق و انجام تکالیف پیمان زناشویی دچار تردید شدیم باید حکم به عدم وجود قوای دماغی لازم بدهیم. براساس قانون مدنی صغیر که کودک هم در ذیل آن قرار می گیرد به کسی گفته می شود که فاقد بلوغ جسمانی باشد هر چند در ادوار قانونگذاری صغیر به کسی اطلاق می شد که زیر ۱۸ سال سن داشت اما با اصلاحات سال ۱۳۶۱ این مفهوم تغییر پیدا کرد و کودک هم غالباً در سنی که قرار دارد نمی تواند خوبی را از بدی تشخیص بدهد و درباره اعمال حقوقی اگر کودک ما وصف صغیر را به خود بگیرد یکی از شروط اساسی را که برای صحت هر عقدی لازم است یعنی اهلیت را



ندارد و در نتیجه عقدی هم که با او بسته شود یا به آن رضایت بدهد باطل است قانون مدنی صغیر را به دونوع ممیز و غیر ممیز تقسیم کرده است

در فقه هم منظور از صغیر همان کودک است و اعتقاد بر این است که با بلوغ صغر هم از بین می رود و فرد آماده به عهده گرفتن مسئولیت های خود و بچه زایی می شود در مورد سن بلوغ هم عده برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال تمام قمری را بیان کرده اند (موسوی خمینی، بی تا: ۱۳) همین طور در فقه عامه شافعی ها حنبلی ها سن بلوغ در دختر و پسر را ۱۵ سال می دانند و حنفی ها ۱۸ سال در پسر و ۱۷ سال در دختر می دانند (جزیری، ۱۴۰۶: ۳۰۰) اما برای خروج از حجر رشید شدن هم ملاک است تا کودک بتواند اعمال حقوقی انجام دهد عده ای از فقها معتقدند که رشد ملکه ای نفسانی است که مقتضی اصلاح مال و مانع افساد آن است (عاملی، ۱۳۲۰: ۴۱۶) در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی به تبیعت از نظر فقها امامیه سن بلوغ در پسر را ۱۵ سال تمام قمری در دختر ۹ سال تمام قمری دانسته اند؛ هرچند سن قانون گذاری در مورد کودک تغییراتی داشته است در سال ۱۳۱۴ سن ۱۸ سال تعیین شد سپس در سال ۱۳۶۱ برای همگام سازی با فقه امامیه تغییری ایجاد شد و در سال ۱۳۷۰ به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مدنی به تصویب رسید ماده ۱۲۱۰ مقرر می دارد «هیچ کس را نمیتوان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد» قبل از بلوغ صغیر یا همان کودک در سنی است که نمی تواند خوبی از بدی و زشت از زیبا را تشخیص دهد و برای انعقاد عقود از جمله ازدواج لازم را ندارد در نتیجه این عقود به واسطه فقدان قصد باطل خواهند بود؛ اما در مورد صغیر ممیز ظاهر بر این است که می تواند با اجازه ولی ازدواج صحیحی واقع سازد هر چند اختلافات در این مورد زیاد است با استناد به ماده ۱۲۱۲ اصولا ازدواج صغیر غیر ممیز یا کودکی که توان درک خوبی از بدی را ندارد باطل است اما عده ای از حقوقدانان معتقدند که پذیرش این نظر دشوار است چرا که از طرفی نظر قانونگذار برای حمایت از محجورین بوده است که این بطلان اعمال او را اقتضا نمی کند و بعلاوه می توان از ماده ۱۲۱۴ که معاملات غیر رشید را غیر نافذ دانسته است وحدت ملاک گرفت و رفتار های صغیر ممیز در اعمال حقوقی را اصولا غیر نافذ فرض کرد (صفایی، ۱۳۹۶، ۲۵۰) ولی عقود صرفا مضر مانند هبه که کودک در مقام واهب قرار بگیرد از آنجایی که با مینافی اراده محجورین متمایل است پس قاعدتا باطل خواهد بود (همان، ۲۵۲) «اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است معذک صغیر ممیز میتواند تملک بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات» اما در مورد ازدواج کودک ابتدا ماده ۱۰۴۱ تصویب می شود^۴ که براساس آن ازدواج دختران قبل از ۱۵ سال و پسران قبل از ۱۸ سال ممنوع بود مگر با وجود اجازه دادگاه صالح و سپس این ماده بدین شرح اصلاح شد و در متن آن آورده شد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» پس باید از طرفی دختر لفظ عامی است که شمولیت دارد و صرفا دختران را در بر می گیرد داشته باشد چرا که قانونگذار همان طور که از مفهوم مخالف ماده بر می آید این نظر را تایید می کند؛ و در نهایت این مورد قبول قرار گرفت اما نتیجه این است که نکاح صغیر غیر ممیز به علت فقدان

^۴ - مصلحت «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هر حال این معافیت نمی تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند»



قصد کلا باطل است و در مجموع اراده و نکاح صغیر ممیز منوط به اجازه ولی است چون به نظر می رسد که کاملاً نافع یا کاملاً مضر به حال کودک نباشد؛ در مورد رشید که در نص قانون ذکر شده نتیجه منطقی این است که هر غیر ممیزی غیر رشید هم هست ولی هیچ ممیزی پیش از بلوغ رشید محسوب نمی شود و سفیه معمولاً به کسی اطلاق می شود که بعد از بلوغ توان درک سود و زیان خود را ندارد اما صغیر کودکی است که یا توان تشخیص سود و زیان را دارد یا ندارد بعلاوه که قییم در ازدواج کودک اختیاری ندارد و نمی توان حکم قانون گذار نسبت به ولی قهری در ماده ۱۰۴۱ را به قییم تسری داد (صفایی، ۱۳۹۶: ۳۱۲)

در مورد طلاق هم نه ولی قهری اختیار دارد و نه قییم چرا که طلاق یک امر شخصی است و کودکی که تا قبل از آن برای ازدواج به اجازه ولی قهری نیاز داشت پس از آن سرنوشتش در اختیار خودش است (همان: ۳۱۴)

از طرفی نهاد های بین المللی حامی حقوق کودکان در جهان همچون یونیسف که صندوقی وابسته به سازمان ملل متحد است طبق تعریفی که در ماده ۱ منشور حقوق کودک آمده که کشورمان هم به آن ملحق شده، منظور از کودک افراد زیر ۱۸ سال هستند مگر این که سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود بعلاوه که با مطالعه نحوه پذیرش این کنوانسیون که طبق قواعد پذیرفته شده حقوقی باید بالاتر از قوانین داخلی قرار بگیرد؛ اما این اصل با استثناء مواجه شده و به شرطی پذیرفته شده که مخالف قوانین داخلی کشور و البته نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد همچنین در مفاد این منشور به قوانین داخلی کشور های عضو ارجاع داده شده است در ماده ۱ که در ادامه می می گوید: «مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» با این اوصاف منشور حقوق کودک از جمله قوانین لازم الاجرا داخلی درآمده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۲۲)

بر طبق قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ماده واحده - کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می شود مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد. به طور میانگین از هر 3 دختر یک نفر زیر سن ۱۸ سال ازدواج می کند (سعیدی، ۱۳۹۶: ۷۶)

۱-۲- سن ازدواج از منظر حقوق و فقه

در جای جای قانون مدنی در بحث نکاح و طلاق از واژه زن استفاده شده است. هر چند در قانون مدنی در ماده ۱۰۳۴ بیان شده است که «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری نمود» و حتی بچه خردسال هم می تواند زن یا شوهر باشد البته به لحاظ اهلیت تمتع (شیروی، ۱۳۹۵: ۶۶) و به موجب ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، هر سر که به ۱۵ سال تمام قمری و هر دختری که به ۹ سال تمام قمری برسد، از نظر قانونگذار بالغ فرض شده و خلاف آن هم قابل اثبات نیست (همان: ۶۷) و با اصلاح ماده ۱۰۴۱ سن بلوغ در نکاح افزایش یافت و در دختران ۱۳ سال تمام شمسی و در پسران ۱۵ سال تمام شمسی تعیین شد؛ پس افراد زیر این سن نمی توانند مستقلاً ازدواج کنند ولی به نظر فقه چون اهلیت تمتع دارند در صورت ممیز بودن می توانند با اجازه ولی ازدواج کنند، در فقه امامیه ولی می تواند صغیر ممیز یا غیر ممیز را به عقد ازدواج دیگری درآورد مشروط به اینکه این امر به مصلحت صغیر باشد و ولی فقط پدر و جد پدری است و به ولی یا قییم سرایت نمی کند (همان: ۶۷)



کودک همسری، چالش‌ها و راهکارهای حقوقی روانشناسی و اجتماعی

پدیده کودک همسری مشکلات فراوانی را در جامعه ایجاد کرده است و می‌تواند آسیب‌هایی را در عرصه اجتماعی و روانشناسی ایجاد کند که در دو قسم آورده می‌شود:

۱-۲- بند نخست چالش‌ها و راهکارهای حقوقی

و از طرفی نکاح یک عقد معین است و بایستی از قواعد عمومی قراردادها هم تبعیت کند اگر چه که قواعد خاص خودش را هم دارد

مهم‌ترین سوالی که در باب مسائل حقوقی کودک همسری وجود دارد این است که ما چه رویکرد را انتخاب کنیم؟ اگر نکاح کودکی که به سن بلوغ نرسیده است را صحیح بدانیم پس تمام آثار نکاح صحیح بر آن بار می‌شود اما اگر رویکرد ما تغییر کند و چنین نکاحی را فاقد شرایط عمومی و اختصاصی عقد نکاح بدانیم در باب ملحقات نکاح همچون مهریه نفقه و اجرت المثل هم در صورت عدم وقوع صحیح عقد در نتیجه آثار آن هم از بین می‌رود.

چالش اول تضييع حقوق فرد کودک همسر است و سوال اینجاست؛ آیا دختری که به نکاح درآمده می‌تواند از حقوق خود به درستی دفاع کرده و می‌تواند در زندگی از عهده خودش بر بیاید؟ در حالی که دخترانی با سنین بالاتر او که به ظاهر ازدواج‌های موفق داشته‌اند هم از حقوق ابتدایی خود بی‌اطلاع هستند و قانونگذار در این باب وظیفه‌ای به عهده ندارد؟ برای راه حل این چالش قسمتی به باورهای اجتماعی باز می‌گردد که اصلاح این باورها می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد بعلاوه که عامه مردم از قوانین و بالاحص حقوق مسلم خود بی‌اطلاع هستند و این بی‌اطلاعی در متن قانون نهفته است به گونه‌ای که قبل از لازم الاجرا شدن یک قانون در حالی که بحث‌هایی قابل تامل در مجلس شورای اسلامی شکل می‌گیرد عامه مردم می‌توانند از آن‌ها مطلع شوند اما اگر بخواهند از قوانین اطلاع پیدا کنند نمی‌دانند که از چه طریقی اقدام کنند این خود گاه به ضعف نهاد‌های حاکمیتی بر می‌گردد که اینگونه اطلاع‌رسانی‌ها را به طور گسترده انجام نمی‌دهند و قسمتی هم به فرهنگ غلط پذیرفته شده در جامعه که سرانه مطالعه ایرانیان بسیار اندک می‌باشد؛ که حل این چالش می‌طلبد که قوانین بصورت نوبه‌ای به از طریق رسانه ملی به اطلاع و آگاهی مردم برسد و وکلا بصورت ساده و سهل در خدمت مردم باشند تا این ضعف جبران شود.

چالش دوم این که کودک همسری راجع به پسران هم وجود دارد یا خیر؟ و اگر بحث دفاع از حق و حقوق است چرا نباید از حق و حقوق مردان جامعه دفاع لازم به عمل بیاید؟ قانونگذار در این جا به طور خاص حکمی صادر نکرده اما به جهت حمایت از اطفال اعم از پسر یا دختر یک مرحله قبل از ازدواج تدبیری اندیشیده و در ماده ۱۱۷۳ ذکر شده «هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قییم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضاییه تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند». و در ادامه مصادیقی همچون؛ اعتیاد زبان آور به الکل، مواد مخدر و قمار ۲- اشتهار به فساد اخلاق و فحشا ۳- ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی ۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضداخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدیگری و قاچاق ۵-



تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف؛ نام می برد پس می توان نتیجه گرفت که حمایت مناسبی صورت گرفته که در خور توجه است.

چالش سوم؛ مسئله اجازه در ازدواج است که اگر دختری قصد ازدواج با مردی ولو مسن را داشته باشد چگونه رفتار می شود بحث رضایت در عقد است که گاهی مشاهده می شود که دختران با میل قبلی رنگارنگ خود راضی به ازدواج با فردی نیستند اما در عقد مجبور به قبول می شوند بالاخص در شرایطی که با مطامع شخصی، دختران مجبور به ازدواج می شوند که قانون گذار برای حل این چالش از اراده سالم در ماده ۱۰۷۰ حمایت کرده و رضای زوجین را شرط نفوذ عقد می داند و بیان کرده «رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هر گاه مکره بعد از زوال کره، عقد را اجازه کند نافذ است مگر این که اکراه به درجهای بوده که عاقد فاقد قصد باشد» در این باب در بین فقهای مسلمان بحث های طولانی در گرفته است در بحث اکراه است که قانون گذار تلاش قابل قبولی برای جلوگیری از پیش آمدن مورد هایی همچون کودک همسری کرده است و در ماده ۱۰۶۲ بیان شده که نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید همین طور در ماده ۱۰۶۳ بیان شده ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند؛ که قانون گذار در ماده ۱۰۴۳ اینطور گفته شده که «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هر گاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط می شود و در این صورت دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید» که به جهت رعایت مصلحت جنس دختر حتی بعد از رسیدن به سن بلوغ که نکاح را منوط به اجازه پدر یا جد پدری کرده است در صورتی که در فقه چنین نگاهی نیست اما از طرفی هم اختیار را به طور کلی از دختر سلب نکرده و نظر مشهور شرع را تامین کرده است و در ماده ۱۰۴۴ بیان شده است «در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشد و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی میتواند اقدام به ازدواج نماید و در تبصره این ماده بیان شده «ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص میباشد» پس می توان گفت قانونگذار این چالش را حل کرده است.

چالش چهارم؛ اثر سوء کودک همسری بر طفلی دارد که از این نکاح متولد می شود؟ و به لحاظ حقوقی با چه ایراداتی مواجه است؟ و آیا یک کودک می تواند از فرزند خودش حمایت های لازم را داشته باشد؟ و این جاست که مواد مربوط به حضانت مطرح می شود و در جایی که به خاطر پدیده کودک همسری مادر طفل، توان و قوای عقلی لازمه برای تربیت فرزندش را ندارد و در ماده ۱۱۷۴ بیان شده «در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابویین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابویین که طفل تحت حضانت او نمی باشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آنها در صورت اختلاف بین ابویین با محکمه است» همین طور کودک همسری به حقوق شخصیت لطمه وارد می آورد که این نکته توسط قانون محدود شده است پس قانون در برابر ضربه به شخصیت فرد خلا قانونی را پر کرده به طوری که اگر کودک همسری باعث ایراد ضرب و جرح و ضرر غیر قابل جبران برای فرد گردد فرد مباشر دارای مسئولیت مدنی و کیفری مقتضی خواهد بود به گونه ای که هرگونه تعرض و صدمه و ایراد ضرب و جرح ممنوع بوده و موجب مسئولیت مدنی و کیفری است. و اعمال جراحی از نظر قانون



مجازات اسلامی تا حدی معتبر هستند که برخلاف موازین علمی و فنی همچنین قواعد شرعی نباشند و فقط در موارد استثنایی این تعرضات پذیرفته شده است از جمله جایی که مصالح اجتماعی و سلامت فرد اقضا کند(صفایی، ۱۳۹۶: ۲۱)

همچنین حقوق مربوط به شخصیت نمی‌توانند در قالب قرارداد استقاط یا واگذار شوند(همان: ۳۰) و آن طور که در عرف جا افتاده است با پیمان زناشویی مرد نمی‌تواند حقوق شخصیت زوجه خود را نادیده بینگارد و هر اقدامی را انجام بدهد و بر اساس ماده ۹۵۹ قانون مدنی شخص حتی نمی‌تواند بعضی از حقوق مدنی را از خود سلب کند البته اگر به صورت کلی باشد ولی سلب حق بصورت جزئی پذیرفته شده است مانند این که فرد حق ازدواج خود با شخص خاصی را از خود سلب کند(صفایی، ۱۳۹۶، ۳۴) اما از طرفی در جایی که بحث حفظ از روابط نامشروع و فساد در جامعه پیش می‌آید سلب ولو اگر به نحو جزئی هم باشد اعتباری ندارد چرا که نظم عمومی و اخلاق حسنه جزء قواعد آمره بوده و حاکم بر توافقات بین اشخاص می‌شوند؛ همان طور که شرط ضمن عقد سلب حق ازدواج در مدت معین باطل می‌باشد (همان: ۴۰) بعلاوه آسیب‌هایی روحی هم که ممکن است بر فرد وارد شود از حیث مسئولیت کیفری قابل پیگیری است همان طور که در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۱ آن ذکر شده است «شاکمی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند» و در تبصره این ماده منظور از زیان معنوی بیان شده «صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی و خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید».

پر واضح است که بیان تمامی چالش‌ها حقوقی معضل کودک همسری در این نوشتار قابلیت بررسی ندارد اما به طور کلی جدای از راه حل هر چالش؛ ورود مجلس شورای اسلامی که بعنوان مهم‌ترین ابزار قانون گذاری در کشور است می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند چراکه مسایل اجتماعی و روان شناسانه اگر با الزام حقوقی همراه شوند می‌توانند بطور موثر راهگشا باشند بعلاوه که طبق نظر برخی از متخصصان این اتفاق مفید است همچنین ورود نهاد‌هایی همچون بهزیستی

۲-۲- چالش‌ها و راهکارهای اجتماعی و روانشناسی

پدیده کودک همسری چالش‌های زیادی را از لحاظ اجتماعی و روانشناسی ایجاد کرده است و آن طور که تحقیقات نشان می‌دهد می‌تواند یک عامل موثر در ایجاد خشونت‌های خانگی و ترک تحصیل دختران باشد؛ همچنین روانشناسان بررسی کرده‌اند که کودک همسری باعث ایجاد آزارهای جنسی نسبت به کودکان می‌شود(افتخار زاده، ۱۳۹۴) آمار جهانی نشان می‌دهد که در کشور‌های در حال توسعه ۶۰ میلیون زن ۲۰ تا ۲۴ ساله قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند همچنین ۱۴ میلیون بین سنین ۱۵ تا ۱۹ سال زایمان میکنند و دختران زیر ۱۵ سال، ۵ برابر بیش از دختران در سن بیست سالگی دچار مرگ و میر در طول بارداری یا زایمان میشوند. دختران زیر سن ۱۸ سالگی، ۶۰ درصد بیش از دختران بالای ۱۹ سال شاهد مرگ و میر کودکان در یک سال اول زندگی هستند (UNICEF, 2007). همچنین در داخل کشور طبق بیان معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری فارس طی یک سال گذشته تعداد ۲۰۰۰ دختر زیر ۱۸ سال در این استان ازدواج کرده‌اند که به بیان این مقام ارشد به علت این که این



افراد در گروه های پرخطر هستند در آینده احتمال طلاقشان زیاد است و بین نهاد های مسئول در این زمینه ناهماهنگی هایی وجود دارد بطوری که این نهادها از اقدام نهاد های هم عرض خود در این باب مطلع نیستند و این بعضا باعث می شود که کار های تکراری انجام شود همین طور طبق اعلام مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری زنجان این استان همچنان جزء ۵ استان کشور در کودک همسری است و ازدواج در این سنین که جزء ازدواج های زرد به حساب می آید غالبا شکننده هستند و منجر به طلاق می شوند و این بعنوان اولویت گروه دوم برای کاهش آسیب های اجتماعی است.

حال با طرح بحث های ابتدایی به بررسی برخی از این چالش ها می پردازیم:

چالش اول: طلاق؛ به جرات می توان گفت که اصلی ترین چالشی که در بحث کودک همسری وارد می شود رشد پدیده نامیمون طلاق است که خود مبدا بسیاری مشکلات در عرصه اجتماع و بستر ساز ایجاد مشکلات و دغدغه های فراوان می باشد؛ کودک و فرد بزرگسالی که مدتی زندگی مشترک داشته اند به علل مختلف از یکدیگر جدا می شوند و کانون گرم خانواده سنگ بنای جامعه بوده و پناهگاهی محکم است را فرو می ریزند، و غالبا هم مشاهده می شود که بعد از طلاق با باور های عرفی پذیرفته شده و مسایل اخلاقی گوناگون برای دختر امکان تشکیل زندگی مجدد نزدیک به صفر است و این باعث می شود تا در سنین بالا که کودک منفعل به یک بزرگسال فعال در عرصه های فردی و اجتماعی تبدیل می شود دست به رفتاری جبران ناپذیر بزند که تهدید کننده امنیت جامعه و امنیت روانی خودش باشد و در نتیجه انحطاط اخلاقی و اجتماعی را در پی دارد. برای حل این چالش بایستی عوامل معضل کودک همسری از بین رفته تا از آمار طلاق بکاهد عواملی همچون؛ فقر و نابرابری های اقتصادی، عدم توجه نهاد های حاکمیتی و قانونگذار، تفاوت های جنسیتی و روان شناسی کودکان و...

چالش دوم: فرار از خانه، که در شرایطی اتفاق می افتد که رضایت قلبی به انعقاد پیمان زناشویی وجود نداشته و دختران توان پاسخگویی به نیازهای غالب جنسی مردان و از آن طرف مردان توان پاسخگویی به نیازهای عاطفی دختران را ندارند و گاه به خاطر ترس از آبروریزی که ما حاصل فرهنگ غالب جامعه است، اتفاق می افتد که برای حل این چالش می توان از اراده های قانونگذاری و قواعد الزام آور حقوقی هم بهره جست و با تربیتی درست و اصول اقدام به پیشگیری از رشد کودک همسری کرد که همواره بهترین راه درمان پیشگیری است.

چالش سوم: نادیده گرفته شدن شخصیت لطیف کودک؛ فارغ از مباحث حقوقی در مورد روانشناسی کودک همسری، می تواند آثار اجتماعی و روانشناسانه در عرصه جمعی بر جای گذارد از آن جایی که اجتماع امری جداگانه از فرد نیست پس زمانی که چالش های پیرامون پدیده کودک همسری بصورت فردی بررسی شود از بررسی اجتماعی مکفی خواهد بود بعلاوه که اینجا جای طرح بحث های روان شناسانه است چرا که روان شناس به فرد نگاهی بیشتری دارد تا اجتماع و البته که این ویژگی جوامعی است که در آن بزرگسالان محور قرار می گیرند چرا منابع و اقتدار در دست آنان است و کودکان که فاقد این توانایی ها هستند جایگاه قابل توجهی ندارند (کامیاب، ۱۳۹۲: ۳۳) بعلاوه دید درستی نسبت به کودکان وجود ندارد و ملاحظه می کنیم که کودکان در اجتماع طرد می شوند چراکه بزرگسالان انتظار دارند تا کودکان منطق صد درصدی آنان را در افعال و کردار خود حاکم کنند و براساس آن عمل کنند که این انتظاری بس گزاف است و به این بهانه که کودکان قوه درک کافی ندارند به خود اجازه می دهند که راجع به مسائل شخصی آنان من جمله ازدواج تصمیم بگیرند که با حل این نکات شاهد رشد کودک همسری نخواهیم بود.



و به طور کلی برای حل این چالش‌ها علاوه بر راهکارهای ذکر شده بررسی عواملی بوجود آورده آن می‌تواند راهگشا باشد از جمله ترس از آبرو، فرهنگ‌های مناطق مختلف که باعث می‌شود این امر امری پسندیده به حساب بیاید (همان: ۳۶)، نبود تشکیلات سازمان یافته دولتی از جمله بهزیستی برای مقابله با این معضلات، فقر و... بعلاوه که راهکارهایی که برای برون رفت از این چالش پیشنهاد می‌شود و به مانند راه حل تمامی مشکلات پیش رو عزمی جدی می‌طلبد چرا که دستگاه‌های مختلف باید در این عرصه وارد شوند و به حد کفایت خود نقش آفرینی کنند از جمله موسسه‌های مردم نهاد می‌باشند همین طور یک نوع فرایند درون سازی نیاز است که در آن فرهنگ درست به کودک داده شود و آنگونه که شایسته است مورد تربیت قرار بگیرد و منظور از آن پذیرش یا سازگاری با باورها و ارزش‌ها و معیارها می‌باشد گویا این که به خود فرد تعلق گرفته اند (کریم زاده، ۱۳۸۹: ۸) بعلاوه نباید این نکته را از نظر دور داشت که کودکان در دوران کودکی فشارهای روانی زیادی را تحمل می‌کنند (کامیاب، ۱۳۹۲: ۱۰) از جمله فشارهای روانی ناشی از مسایل جنسی که این خود می‌تواند باعث شود که تن به ازدواج زود هنگام بدهند؛ حس کنجکاو که برای کودک با دیدن تفاوت جنسی بین خود و پدرش یا خود و مادرش پیش آمده سبب می‌شود که او با ظهور میل جنسی که قبل از بلوغ عقلی ظهور می‌کند میل شدیدی به جنس مخالف داشته باشد که اگر در تکامل عقل به سربرد هرگز چنین تصمیمی نمی‌گیرد و سایر معیارها را هم در تصمیم خود لحاظ خواهد کرد (همان: ۱۱)؛ در این مورد هم مانند اکثر موارد آموزش صحیح نقش اساسی دارد و بایستی همه نهادها بصورت مشترک کار کنند و بایستی بر اساس سنت حسنه مشورت کارگروه‌های جداگانه‌ای تشکیل شود و با نظر اکثریت در تصمیم‌گیری‌ها اقدام صورت گیرد و خانواده، رسانه، وزارتخانه‌های مرتبط، بالخصوص آموزش و پرورش، و ورزش و جوانان اقدامات لازم را انجام دهند همان گونه که در تربیت باید تمامی عوامل را در نظر گرفت (کامیاب، ۱۳۹۲: ۳۸) و برای آموزش درست هم ابزارهایی لازم است من جمله کتاب و بازی برای کودکان را به کار گرفت (همان: ۳۹)

نتیجه

در انتهای بحث‌های بیان شده می‌توانیم به این نتیجه برسیم که معضل کودک همسری که کشور‌های مختلف جهان و از جمله آن‌ها، کشورمان با آن مواجه هستند چالش‌های حقوقی-اجتماعی و روانشناسانه متعددی ایجاد کرده است و آسیب‌های زیادی هم در پی داشته که برای حل این آسیب‌ها در عرصه‌های روانشناسی و اجتماعی پیشنهاد مناسب، بهره‌گیری از نظر متخصصان مرتبط و استفاده از فرایند درون سازی فرهنگ‌های مثبت است که می‌تواند باعث تربیت نسلی پویا و سرآمد باشد و در مورد چالش‌های حقوقی هر چند که قانونگذار حکمی خاص در باب این معضل بیان نکرده اما از روح قوانین تدوین شده می‌توان دریافت که حمایت‌های مناسبی، هم از نظر فردی و هم اجتماعی، صورت گرفته که نیاز به فراهم کردن شرایط آگاهی عمومی نسبت به آن قواعد را دارد و بعلاوه یاری گرفتن از وکلا و مشاوران مجربی که با تدبیر دستگاه‌های سیاست‌گذار با حق الزحمه‌ای اندک به انجام وظایف خود بپردازند، می‌تواند این ضعف‌ها را جبران کند هر چند که عرصه عمل بمراتب مهم‌تر از عرصه نظر است، کما این که قوانین محکمی از غربال‌های مختلفی عبور کرده و می‌کنند اما هنگامی که لازم است در عرصه اجرا پیاده شوند با اشکالات گوناگون مواجه می‌شوند که نظارت عامه مردم و استفاده همیشگی از نظر متخصصان مرتبط و همت جمعی دستگاه‌های مرتبط می‌تواند در این زمینه نتایج درخشانی را به بار آورد.



منابع

۱. افتخارزاده، سیده زهرا، (۱۳۹۴ش)، «تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳، ۱۵.
۲. پشتون، علی محمد، «فارس جزو ۵ استان اول در طلاق/ ازدواج ۲۰۰۰ دختر زیر ۱۸ سال»، خبرگزاری ایسنا <https://www.isna.ir/news/۹۹۱۰۲۰۱۴۷۶۸>
۳. تقوی، هادی، (۱۳۹۱ش)، «قوانین و مقررات زنان و خانواده در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری».
۴. توفیقی، فاطمه، «زنجان کماکان جزو ۵ استان اول کشور در کودک‌همسری است»، خبرگزاری ایسنا <https://www.isna.ir/news/۹۹۰۹۳۰۲۳۲۲۹>
۵. جزیری، عبد الرحمن، (۱۴۰۶ق.)، «الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، داراحیاء تراث العربی».
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۸ش)، «ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، تهران، گنج دانش».
۷. جفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۶ش)، «حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران، گنج دانش».
۸. سعیدی، سعیده، (۱۳۹۶ش)، «بررسی مردم نگارانه پدیده ازدواج زود هنگام در میان مهاجران افغان (قوم هزاره) در دو شهر هامبورگ (آلمان) و تهران (ایران)»، پژوهش های انسان شناسی، دوره ۷، شماره ۱.
۹. شیروی، عبد الحسین، (۱۳۹۶ش)، «حقوق خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندان)، چاپ سوم، تهران، سمت».
۱۰. صفایی، امامی، سید حسین، اسد الله، (۱۳۹۶ش)، «مختصر حقوق خانواده، چاپ چهل و هشتم، تهران، میزان».
۱۱. صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۹۶ش)، «اشخاص و محجورین، چاپ بیست و سوم، تهران، سمت».
۱۲. صفری الموتی، علی، «کودک همسری نوعی کودک آزاری»، خبرگزاری صدا و سیما <https://www.iribnews.ir/۰۰BSWR>
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷ش)، «مقدمه علم حقوق، چاپ شصت و ششم، تهران، میزان».
۱۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳ش)، «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهل و یکم، تهران، میزان».
۱۵. کامیاب، مرجان، (۱۳۹۲ش)، «پیوند ادبیات کودک و جامعه شناسی با تکیه بر تاثیر دوسویه آن ها بر یکدیگر»، فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر، شماره هشتم».
۱۶. کریم زاده، صادق، (۱۳۸۹ش)، «سازوکارهای روانشناختی فرایند درون‌سازی ارزشهای اخلاقی»، روان شناسی و دین، سال سوم، ۱۰.
۱۷. کنوانسیون حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۸۹



۱۸. مکی العاملی، الجبعی العاملی، محمد بن جمال الدین، زین الدین، (۱۳۲۰ ش.)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة
الدمشقیة، بیروت، مؤسسة الاعلیمی للمطبوعات،
۱۹. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.